روزنامه شرق

نگاهی به موصل از عصر پادشاهان تا نبرد با داعش

موصل؛ شهر مرگ

بهاره محبی: بنجامین تودلا، جهانگرد یهودی‌تبار اسپانیایی در سال ۱۱۶۵ موصل را چنین توصیف کرده است: «این شهر که در قلمرو پارس قرار دارد، قدمتی به بلندی تاریخ بشری دارد». تودلا هزار سال پیش از شکوه و عظمتی صحبت کرده که امروز به‌زحمت می‌توان ردی از آن یافت.

چندسالی است که تحولات موصل در صدر اخبار جهان قرار دارد: قدرت‌گرفتن گروه‌های رادیکال، پیشروی داعش، اعلام خلافت اسلامی ابوبکر بغدادی، حملات هوایی نیروهای ائتلاف، کشتار دوسویه غیرنظامیان، رقابت‌های داخلی و منطقه‌ای برای آزادسازی شهر، چهره تکیده آوارگان، چشم‌های گریان هزاران کودک بی‌سرپرست و ... .

خلافت به‌اصطلاح اسلامی داعش در موصل با تمام جنجالی که داشت، سه سال بیشتر نپایید و امروز نبرد در این شهر تقریبا به پایان رسیده است. با نگاهی به تاریخ درمی‌یابیم موصل که روزگاری خلوان یا بوذاردشیر[1] هم نامیده می‌شد، بارها و بارها شاهد جنگ و رفت‌وآمد پادشاهان بسیاری بوده؛ اما آنچه در این میان تغییر نکرده، توان این شهر در تجدید حیات پس از ویرانی‌هاست؛ موصل قرن‌هاست که با جنگ و درگیری، ویرانی و تجدید حیات خو گرفته است.

تاریخی پرفرازونشیب

حدود سال ۸۵۰ پیش از میلاد بود که آشور بانی‌پال پادشاه آشوری، شهر نمرود را در نزدیکی موصل امروزی برای ساختن پایتخت خود انتخاب کرد، امپراتوری که قرار بود مرزهایش فراتر از مصر برود. برای نزدیک به سه‌هزار سال مناطق اطراف موصل، مهم‌ترین گذرگاه فرهنگی و تجاری بود که سوریه را به ایران و ترکیه امروزی متصل می‌کرد. خاندان آشوری در قرن ششم پیش از میلاد سقوط کرد اما موصل به‌واسطه مرکزیت تجاری و صنعت نساجی‌اش همچنان توسعه یافت. گفته می‌شود پارچه کتان موصلی برای اولین‌بار در این شهر ساخته و در جهان شهره شد.

موصل، (به معنی محل اتصال شاخه‌های رود دجله) در ۴۰۰ کیلومتری شمال‌غرب بغداد، اواسط قرن شانزدهم میلادی تحت سلطه امپراتوری عثمانی درآمد اما پس از فروپاشی این امپراتوری در جنگ جهانی اول بنا بر تصمیم قدرت‌های جهانی در داخل مرزهای عراق قرار گرفت. سال ۱۹۱۸ ارتش بریتانیا وارد موصل شد و برای همیشه به حکمرانی ترک‌ها بر این شهر پایان داد. براساس توافق محرمانه دیپلمات‌های فرانسوی و بریتانیایی موسوم به «سایکس ـ پیکو» سرزمین‌های خاورمیانه‌ای عثمانی تقسیم شدند و موصل پس از یک دست چرخش (به‌واسطه منابع نفتی‌اش و وابستگی بریتانیایی‌ها به نفت) از منطقه تحت نفوذ فرانسوی‌ها به منطقه تحت نفوذ بریتانیایی‌ها وارد شد. ولی واقعیت این بود که موصل نه تحت کنترل فرانسوی‌ها بود و نه انگلیسی‌ها؛ این شهر اگرچه در قلمرو عراق قرار داشت اما بیش از اینکه به بغداد نزدیک باشد به حلب در سوریه احساس نزدیکی داشت. به‌همین‌دلیل باوجود ترسیم خطوط مرزی روی نقشه، وابستگی سنی‌نشین‌های موصل (که اکثریت را در این شهر دارند) با سوریه به قوت خود باقی ماند. بر همین اساس بود که بعدها ادعای آمریکا مبنی بر همدلی مردم این منطقه با رژیم صدام حسین و فشار واشنگتن بر سوریه برای جلوگیری از حمایت موصلی‌ها از صدام باعث دلخوری شدید ساکنان آن از ایالات متحده و فاصله گرفتن‌شان از دولت مرکزی عراق شد؛ دولتی شیعی که از حمایت آمریکا برخوردار بود. این شکاف در نهایت به قدرت‌گرفتن گروه‌های تندرو سنی مخالف دولت در عراق پس از صدام منجر شد.

ایوب نوری، خبرنگار کرد درباره تجربه خود از موصل می‌نویسد: این اولین‌باری نیست که از نزدیک اخبار مربوط به جنگ در موصل را پوشش می‌دهم. بیش از ۳۰ سال است که از دور و نزدیک وقایع مربوط به موصل را رصد کرده‌ام و هر بار جنگ‌های اینجا را ترسناک‌تر و خونبارتر از بار قبل یافته‌ام. در جنگ اخیر با داعش، نزدیک به ۶۰۰ هزار پیشمرگه کرد جان خود را از دست دادند. برای نیروهای عراقی هم این جنگ، یک درگیری چریکی تمام‌عیار خانه به خانه بود؛ جنگی خونین و ویرانگر. هزاران نظامی و غیرنظامی کشته شدند. خانه‌ها، مساجد، کلیساها و فروشگاه‌های بسیاری ویران شدند. اما اولین‌بار آوریل ۲۰۰۳ بود که به موصل آمدم. رژیم صدام‌حسین به‌تازگی به‌دست نیروهای آمریکایی سرنگون شده بود. سکوتی مرگ‌بار همه جا را فرا گرفته بود. در خیابان‌ها پرنده پر نمی‌زد. بیشتر مردم ترجیح می‌دادند که در خانه‌ها بمانند و برخی هم از ترس شهر را ترک کرده بودند. فقط یک جا بود که جمعیت زیادی گردهم آمده بودند؛ کاخ صدام حسین. مردم آمده بودند تا باغ‌ها و استخرهایش را از نزدیک ببینند؛ آنها کنجکاو بودند تا محل زندگی فردی را ببینند که سال‌ها با مشت آهنین حکومت کرده بود. دومین‌باری که به موصل آمدم سه ماه بعد بود: جولای ۲۰۰۳؛ زمان کوتاهی پس از اینکه دو پسر صدام حسین، عدی و قصی به‌وسیله نیروهای آمریکایی کشته شده بودند. در اطراف ساختمانی که دو پسر دیکتاتور بزرگ در آن مخفی شده بودند، جمعیت زیادی ایستاده بود و با عصبانیت شعار می‌داد. آنها خواستار مجازات عاملان قتل صدام حسین و پسرانش بودند. کمتر از یک سال پس از حمله آمریکا به عراق، موصل به پایگاه اصلی نیروهای سابق بعثی و شورشیان تندرو اسلام‌گرا تبدیل شد. به سربازان آمریکایی مرتب حمله می‌شد، کارکنان دولتی، نیروهای پلیس و خدمه ارتش ترور می‌شدند. موصل به یکی از خطرناک‌ترین شهرهای جهان تبدیل شده بود که ارتش عراق هیچ کنترلی بر آن نداشت. نیروهای پلیس هیچ قدرتی نداشتند و دولت نقشی کاملا تشریفاتی پیدا کرده بود.

حتی یک‌سال پیش از اینکه داعش به موصل برسد، تمام شهر برای سربازان یک میدان جنگ بود. آنها برای عبور از بخشی به بخش دیگر از پوشش کامل نظامی استفاده می‌کردند و بسیار عصبی و نگران بودند. گروه‌های شورشی رادیکالی چون «انصار السنه» با قدرت تمام بر خیابان‌های شهر فرمانروایی می‌کردند و هرکسی را که در مقابلشان قرار می‌گرفت از میان برمی‌داشتند. این روند تا جایی پیش رفت که گروه‌های رادیکال ارتش و نیروهای دولتی را کنار زده و تابستان ۲۰۱۴ کنترل موصل را به دست گرفتند؛ همان زمان بود که در این شهر خلافت اسلامی اعلام شد.

خیابان‌های پرازجسد

روبین رایت، خبرنگار نیویورکر، نیز از روزهای پساداعش در موصل می‌نویسد: اواسط ماه مارس بود که سوار بر یک نیسان از جاده‌ای ناهموار، راهی دومین شهر بزرگ عراق شدیم؛ جایی که روزگاری یکی از مراکز پرزرق‌وبرق تجاری بود و حالا تبدیل به ویرانه‌هایی شده که روزگاری کارخانه، فروشگاه یا منزل مسکونی بوده‌اند. در طول مسیر جا به جا گودال‌های بزرگ به‌جامانده از حملات هوایی نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا دیده می‌شد؛ این بمب‌هایی که زمین را شکافته‌اند قرار بوده حرکت بمب‌گذاران انتحاری داعش را که هدفشان ارتش عراق بوده کند کنند.

تخمین زده شده که داعش از آغاز عملیات نیروهای عراقی برای بازپس‌گیری داعش چیزی حدود چهارهزار نفر را در موصل از دست داده است. استفان تاونسند، یکی از فرماندهان ارشد نیروهای ائتلاف، معتقد است که این شدیدترین جنگ شهری جهان از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون بوده است؛ جنگی سخت و خشن، خانه‌به‌خانه و محله‌به‌محله. شهر بوی مرگ می‌دهد

گرچه هفته‌هاست که از بیرون‌راندن داعش از این مناطق می‌گذرد، اما خیابان‌ها مملو از جسد است. یک بعدازظهر را در منطقه حی التمیمی بودم؛ منطقه‌ای که در آن یک کارخانه بمب‌سازی احداث شده بود و خانه‌هایش هم از سوی داعشی‌ها برای اتراق رهبران و مقام‌های ارشد این گروه تروریستی مصادره شده بود. نشانه‌های تیره‌رنگ روی درهای منازل نشان می‌داد که کدام خانه در اختیار رهبران داعش بوده است.

احمد صبهای که همین‌جا روبه‌روی کارخانه بمب‌سازی زندگی می‌کند، می‌گوید که داعشی‌های روس زیادی اینجا زندگی می‌کردند که از چچن روسیه آمده بودند. صبهای می‌گوید که جنگجویان داعش اسلحه‌ای را روی سرش گذاشته و از او درخواست همکاری کردند. یک‌بار هم اسلحه را به‌سوی پسر شش‌ساله‌اش، عامر، نشانه رفته‌اند و از او پرسیده‌اند که آیا پدرش مخفیانه سیگار می‌کشد یا نه. صبهای می‌گوید که اجازه نداده بچه‌هایش به مدرسه بروند، همسر و دخترش را هم در خانه محبوس کرده بوده، چراکه می‌ترسیده داعش آنان را با خود ببرد. او با به‌یادآوردن خاطره‌ای از آن روزها می‌گوید: «یک روز یکی از این داعشی‌های روسی در انتهای خیابان ایستاد و فریاد زد: «همه شما پنج‌دقیقه وقت دارید که اینجا را ترک کنید»، اما در همان لحظه یک بمباران هوایی کارش را ساخت و مستقیم او را به جهنم فرستاد». احمد، جوان ۱۹ ساله، می‌گوید: «روزی برای تهیه مواد غذایی از خانه خارج شدم. چهار مرد را دیدم که لباس سر تا پا نارنجی‌رنگی پوشیده بودند و چند مرد مسلح آنها را در میدان شهر مجبور کردند که زانو بزنند. آنها متهم بودند که از تلفن همراه استفاده کرده‌اند. یک ساعت بعد در راه بازگشت تمام سطح خیابان را خون پر کرده بود».در اطراف خیابانی که کارخانه بمب‌سازی در آن قرار دارد، پرسه می‌زنم. جسد یک داعشی که هنوز کمربند انتحاری به تن دارد، در مقابل حیاط کارخانه بمب‌سازی دیده می‌شود؛ جایی که پیش از شروع جنگ دفتر شورای شهر بوده است. روی باقی‌مانده جسد آهک ریخته بودند. در انتهای خیابان در مقابل یک خانه، پوتین غرق‌به‌خونِ خشکیده‌ای بود که به نظر می‌رسید صاحبش گرفتار گلوله توپخانه شده است. چند قدم آن‌طرف‌تر، لنگه دیگر پوتین دیده می‌شد و چند قدم آن‌طرف‌تر جسدی سیاه‌شده که دهانش همچنان باز بود و دندان‌های سپیدش پیدا بود.

تخمین زده شده که داعش از آغاز عملیات نیروهای عراقی برای بازپس‌گیری این شهر چیزی حدود چهارهزار نفر را در موصل از دست داده است. استفان تاونسند، یکی از فرماندهان ارشد نیروهای ائتلاف، معتقد است که این شدیدترین جنگ شهری جهان از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون بوده است؛ جنگی سخت و خشن، خانه‌به‌خانه و محله‌به‌محله. شهر بوی مرگ می‌دهد. هالگورد حکمت، ژنرال ارشد عراقی می‌گوید که بیش از ۷۰۰ پیشمرگه در ابتدای عملیات کشته شدند تا راه برای ارتش عراق باز شده است. در خیابان‌ها و کوچه‌های موصل هم بیش از ۸۰۰ نیروی ارتش عراق کشته شدند، اما تکان‌دهنده‌ترین آمار مربوط به غیرنظامیان است. گفته شده از زمان آغاز عملیات نیروهای ائتلاف، نزدیک به ۱۱ هزار حمله هوایی علیه مواضع داعش انجام شد که در کنار ده‌ها هزار عضو داعش، جان ده‌ها هزار غیرنظامی را هم گرفت. برخی منابع مدعی شده‌اند که بیش از ۴۰ هزار غیرنظامی در جریان عملیات موصل از سوی دو طرف کشته شده‌اند.

دلیل این تلفات بالا آن است که جنگ برای موصل با تمام مناطق و شهرهای دیگر چون فلوجه یا رمادی تفاوت داشت. در شهرهای دیگر بیشتر ساکنان غیرنظامی هم‌زمان با آغاز عملیات ارتش عراق یا پیش‌تر شهر را ترک کرده و در نتیجه منطقه تا حدودی خالی از سکنه بود، اما موصل داستان دیگری داشت. عملیات در اینجا وقتی آغاز شد که هنوز یک‌میلیون غیرنظامی تحت کنترل داعش در این شهر زندگی می‌کردند. گذشته از آن، با شروع عملیات، گزارش‌های تکان‌دهنده‌ای مبنی‌بر استفاده داعش از غیرنظامیان به‌عنوان سپر دفاعی منتشر می‌شد.

واقعیت این است که گروه‌های تندرو همیشه در موصل مانور می‌دادند، اما پس از به‌قدرت‌رسیدن داعش در این شهر بود که جامعه جهانی متوجه خطر موصل به‌عنوان یکی از پایگاه‌های تروریسم برای عراق، منطقه و حتی جهان شد. ائتلاف بین‌المللی خیلی زود حملات هوایی و زمینی علیه داعش در موصل را آغاز کرد؛ جنگی که با موارد قبلی بسیار تفاوت داشت، چراکه داعش از هر گروه دیگری که پیش‌تر کنترل موصل را به دست گرفته بود، قوی‌تر بود، از جمله القاعده.

این گروه افرادی را از اقصا نقاط جهان جمع کرده که اغلب در یک حوزه خاص تخصص دارند؛ برخی کارشناس ساخت بمب، برخی تکنیسین و برخی هم تک‌تیراندازهایی هستند که جان نظامیان و غیرنظامیان بسیاری را گرفتند، به‌همین‌دلیل پیشروی ارتش عراق و نیروهای کُرد به‌سوی موصل همیشه کند، پرهزینه و دردآور بود. وقتی جنگ به داخل شهر رسید، شبه‌نظامیان که تونل‌های تودرتویی را در تمام شهر حفر کرده بودند حاضر نبودند اسلحه را زمین گذاشته و تسلیم شوند. در نتیجه خانه‌ها، بیمارستان‌ها و مدارس بیشتری ویران و زیرساخت‌های این شهر با خاک یکسان شدند. حالا گفته می‌شود که هزینه بازسازی زیرساخت‌های اصلی این شهر حدود ۱.۳ میلیارد دلار است. زخم جنگ بر صورت موصل حالا چنان عمیق شده که این شهر به نظر غریبه می‌رسد. بخش‌های قدیمی و باستانی از جمله نینوا ویران شده و ده‌ها هزار نفر مجبور شده‌اند تا خانه‌های خود را ترک کنند. گفته می‌شود که امپراتوری کوتاه‌مدت داعش در این شهر به پایان رسیده، اما ترس و اضطراب فردایی نامعلوم هنوز به قوت خود باقی است. موصل در طول حیات خود جنگ‌های بسیاری را دیده، اما هنوز هم هستند کسانی که با وجود خون‌های ریخته‌شده و بیم‌های فردا، به آینده خوش‌بینند و می‌خواهند باور کنند که این شهر بار دیگر از میان ویرانه‌های خود متولد خواهد شد. آنها البته می‌دانند که در این راه بازسازی اعتماد ازدست‌رفته میان مردم اولین قدم است.

۱- نام بوذاردشیر منسوب به اردشیر بابکان، بنیان‌گذار دودمان ساسانی است. ویکی‌پدیا

منابع: واشنگتن‌پست، نیویورک‌تایمز، نیویورکر، فایننشال‌تایمز

یادداشت

سودان و ارتباط با اسرائیل

به همان اندازه که دعوت «مبارک الفاضل المهدی»، وزیر جذب سرمایه‌گذاری سودان، برای عادی‌سازی روابط با اسرائیل با انکار و مخالفت شدید نیروهای سیاسی و نهادهای دینی کشور مواجه شد، به همان اندازه تردیدهایی را نیز درخصوص احتمال برداشته‌شدن بعضی از تحریم‌های آمریکا علیه سودان به وجود آورد.

دعوت مبارک الفاضل المهدی با مخالفت وسیع نهادهای دینی، حزبی و سیاسی در کشور مواجه شد. بااین‌حال این نخستین‌بار در نوع خود نبود که چنین اتفاقی می‌افتاد، زیرا پیش‌تر نیز یوسف الکوده، رئیس حزب وسط اسلامی، در ابتدای سال جاری آن را مطرح کرده بود. جریان‌های داخلی و خارجی سودان از این فرصت استفاده کرده و انتقادات گزنده‌ای را نسبت به ارائه‌کنندگان چنین دعوت‌هایی مطرح کرده و آن را موضعی نادر بدون توجه به اصولی واقعی توصیف کردند و هیئت روحانیون سودان نیز پا را از این فراتر گذاشته و از طرح‌کنندگان چنین دعوت‌هایی خواست توبه کنند. با وجود اینکه دولت بلافاصله خود را از این فراخوان مبرا دانست و «احمد بلال عثمان»، سخنگوی دولت، گفت این «یک موضع شخصی بوده و به دولت کاری ندارد»، اما ناظران احساس می‌کنند دعوت این وزیر «چیزی جز بیان پنهان دیدگاه جریانی در داخل حزب حاکم کنگره ملی نیست و هدفش این است که نبض افکار عمومی سودان را پیش از اتخاذ تصمیمی دراین‌باره محک بزند».

«صادق المهدی»، رئیس حزب امت سودان، می‌پرسد چه منافعی ما را بر آن می‌دارد که با یک «ظالم تجاوزگر» رابطه برقرار کنیم. به گفته او، ارتباط با اسرائیل را منافع تعیین نمی‌کند، بلکه این اصول است که آن را تعیین می‌کند. او می‌گوید: «این خیلی عجیب است، به‌خصوص وقتی دولت با این مسئله به‌عنوان یک نظر شخصی برخورد می‌کند چون اینها مسائلی است که نظرات شخصی را برنمی‌تابد و به تعهدات ملی یک کشور برمی‌گردد». او در ادامه تاکید می‌کند: «خانواده المهدی از اظهارات مبارک الفاضل المهدی برائت می‌جوید». «کمال عمر»، رئیس دفتر سیاسی حزب، می‌گوید الفاضل نظر پنهان نظام حاکم را که می‌ترسد آشکارا بیان کند، بر زبان آورده است. حکومت می‌ترسد ملت سودان را که یاری‌کننده فلسطین و مسجدالاقصی است به خشم آورد». او درعین‌حال می‌گوید: این دعوت ارتباطی تنگاتنگ با تجدیدنظر در تحریم‌های آمریکا نسبت به سودان دارد که قرار است اکتبر آینده صورت گیرد. عمر معتقد است، حزب او به صورتی قاطع با هرگونه چانه‌زنی درباره موضع ثابت دولت و ملت سودان نسبت به مسئله فلسطین مخالف است». «ربیع عبدالعاطی»، یکی از اعضای دفتر رهبری این حزب می‌گوید، دعوت الفاضل نماینده هیچ نهاد رسمی‌ای نیست، بلکه «بیانگر موضع شخصی یک فرد است که استثنا بوده و با اصول ملی ما در تناقض است». او درعین‌حال کتمان نکرد که یک جریان در داخل حزب حاکم کنگره وجود دارد که مایل است با اسرائیل روابط عادی شود.

او دراین‌باره گفت: «البته این یک حدس و گمان است و در زمره رؤیاهای دورودراز قرار می‌گیرد». عبدالعاطی همچنین در پایان بر موضع ثابت، رسمی و ملی کشورش مبنی‌بر عدم عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی تاکید می‌کند و می‌گوید تا حقوق کامل فلسطینی‌ها استیفا نشود چنین ارتباطی برقرار نخواهد شد.

منبع: الجزیره

نگاه

مافیا و شبه‌نظامیان لیبیایی درخدمت اتحادیه اروپا

اردشیر زارعی‌قنواتی

موج مهارناپذیر پناه‌جویان اهل خاورمیانه و آفریقایی به سمت کشورهای اروپایی، درست بعد از وقایع موسوم به «بهار عربی» که با همدستی برخی نیروهای اسلامی - بازماندگان نظم پیشینی و دخالت‌های خارجی به مسیر غیردموکراتیک، جنگ‌های داخلی، منازعات منطقه و بی‌ثباتی گسترده انجامید، امروز به بزرگ‌ترین معضل جهان غرب تبدیل شده است. نظم پیشینی در کشورهای بحران‌زده افغانستان، عراق، لیبی، یمن و سوریه هرچند که در چارچوب دولت‌های غیردموکراتیک قابل ارزیابی بود، اما تغییرات بعدی و سرنگونی بعضی از دولت‌های این جوامع نه‌تنها دموکراسی را به ارمغان نیاورد که خون، بوی باروت و ویرانی را برجای گذاشت که آوارگی یکی از نتایج مستقیم و گریزناپذیر آن بود. ویران‌سازی این کشورها در جریان بحران‌های گریبانگیرشان به‌تدریج بخش بزرگی از مردم و به‌خصوص نسل جوان در این کشورها را متقاعد کرد که در شرایط کنونی ساده‌ترین و عاجل‌ترین راه، مهاجرت به مناطق امن و ترجیحا کشورهای اروپایی یا آمریکاست که هم می‌تواند متضمن امنیت آنان باشد و هم شرایط دستیابی به محیط کار مطلوب‌تری را نیز برای آنان فراهم کند. از طرف دیگر با تغییرات اقلیمی و خشک‌سالی‌های ادامه‌دار در بخش‌های بزرگی از خاورمیانه و آفریقا به موازات تشدید بحران‌های اقتصادی که به فلاکت بیشتر توده‌های مردم منجر شد، گروه‌های بزرگی نیز از این مناطق برای یافتن شرایط بهتر راه مهاجرت را در پیش گرفتند. از آنجا که طبق قواعد حقوقی و قانونی، پذیرش مهاجران در کشورهای مقصد، به‌ویژه در اروپا تابع یک شرایط تقریبا سخت و یک حجم محدود می‌بود، این جمعیت‌های مستأصل انسانی به مسیر «مهاجرت غیرقانونی» کشانده شدند. در ابتدای بحران جدید از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ میلادی موج‌های اولیه که تا حدودی هم محدود بودند، چندان جدی گرفته نشدند و حتی کشورهای اروپایی از آن هم استقبال کردند. گفته می‌شود سرهنگ «معمر قذافی»، رهبر سابق لیبی، قبل از مرگ خطاب به رهبران فرانسه و بریتانیا که به‌همراه آمریکا با حمله نظامی به این کشور مسبب سقوط دولت وی شده بودند، هشدار داده بود: «شما با سرنگونی و حذف من آخرین دیوار و مانع برای هجوم مهاجران آفریقایی به سمت اروپا را شکستید».

آنچه امروز به اصلی‌ترین معضل امنیتی اروپا تبدیل شده است تا جایی که دیگر حتی ابتدایی‌ترین قواعد، قوانین و کنوانسیون‌های مربوط به پناه‌جویان سیاسی و مهاجران اقتصادی (از جمله معاهده دابلین) را به بهانه گسترش تروریسم بنیادگرای اسلامی هم رعایت نمی‌کنند، دقیقا ریشه در همین صورت‌بندی کلی و تحولات جاری در خاورمیانه و شاخ آفریقا دارد. در هفته‌های اخیر خبرهای موثق و گزارشات مبسوطی در مورد سازماندهی گروه‌های شبه‌نظامی بدون هویت رسمی در بعضی از شهرهای ساحلی لیبی از جمله شهر «صبراته» که از مبادی اصلی مهاجران به سمت اروپاست، منتشر شده.

این در حالی است که به گزارش منابع مستقل و نهادهای بین‌المللی حامی حقوق مهاجران، در ماه‌های اخیر که این گروه‌های شبه‌نظامی فعال شده‌اند، از جمله فقط در ماه جولای ۲۰۱۷ به‌یکباره مهاجرانی که از طریق لیبی به اروپا از طریق دریای مدیترانه تن به خطر رسیدن به سواحل قاره سبز می‌سپردند، ۵۰ درصد کاهش یافته است. در گزارشاتی که منتشر شده، یک رابطه معنادار و مستقیم بین حضور این شبه‌نظامیان و کاهش ورود مهاجران به سمت اروپا وجود دارد و به‌همین‌دلیل نهادهای حامی مهاجران انگشت اتهام را به سمت معاملات پشت‌پرده اتحادیه اروپایی با گروه‌بندی‌های نظامی قدرتمند در لیبی نشانه رفته‌اند. همچنین سازمان «فرونتکس» که مسئول حفاظت از مرزهای اتحادیه اروپایی است و در لیبی و به‌خصوص شهر صبراته به‌شدت فعال است، از وجود چنین گروهی اظهار بی‌اطلاعی کرده و گفته است گزارشاتی دارد که اخیرا در سواحل مصراته برخوردهایی اتفاق افتاده و روند مهاجرت به طرف اروپا به‌شدت کند شده است. این در حالی است که «سازمان بین‌المللی مهاجرت» با استناد به اظهارات شاهدان عینی و گزارشات محلی اذعان می‌کند: «کسانی مانع سوارشدن مهاجران به کشتی می‌شوند و اگر هم کسی بتواند خود را به دریا برساند، دوباره به ساحل بازگردانده می‌شود».

صدراعظم آلمان، «آنگلا مرکل»، متعاقب افشای آنچه در لیبی از سوی شبه‌نظامیان مافیایی و گارد ساحلی این کشور علیه مهاجران برای بازگرداندن و حتی غرق‌کردن قایق‌های آنان جریان دارد، با فرافکنی برای رفع اتهام درخصوص ارتباط کشورهای اروپایی با این گروه‌های مسلح اظهارنظرهای متفاوتی را عنوان می‌کند. مرکل در مصاحبه با «ولت‌ام زونتاک» ضمن انتقاد از معاهده دابلین می‌گوید: «در لیبی ما با مسئله‌ای مانند ترکیه روبه‌رو هستیم، ما نباید اجازه دهیم تا باندهای قاچاق انسان که مسئول مرگ انسان‌های بی‌شماری هستند، به کار خود ادامه دهند. ما باید جلو فعالیت آنها را بگیریم». تفسیر این سخنان با عملیات غیرقانونی و خلاف معاهدات حول حقوق مهاجران در لیبی، به‌خوبی ارتباط محافل رسمی در اتحادیه اروپایی را با شبه‌نظامیان «بریگارد ۴۸» نشان می‌دهد و اشاره وی در مورد توافق با ترکیه برای مهار و جلوگیری از موج مهاجران دقیقا با آنچه اکنون در لیبی می‌گذرد یک انطباق مفهومی دارد. هم‌زمان در روز دوشنبه، ۲۸ آگوست، سران چهار قدرت اصلی اتحادیه اروپایی (آلمان، فرانسه، ایتالیا و اسپانیا) در پاریس با همتایان آفریقایی خود از لیبی، چاد و نیجر درباره چگونگی مهار سیل مهاجران به طرف اروپا دیدار و گفت‌وگو کرده‌اند. گفته شده است در این دیدار درباره مسائل امنیتی، چگونگی ممانعت از مهاجرت غیرقانونی و ایجاد مراکزی برای ثبت‌نام داوطلبان مهاجرت در این کشورها بحث و گفت‌وگو شده است. تجربه قبلی اتحادیه اروپایی در معامله با ترکیه برای مهار موج مهاجران نشان می‌دهد که رهبران این اتحادیه برخلاف ادعاهای حقوق‌بشری خود، در توافق با «رجب طیب اردوغان» با باج‌دادن به وی، هم تقریبا راه مهاجرت از طریق این کشور را بستند و هم اینکه برای جلب نظر پاشای جدید عثمانی در مقابل سرکوبگری وی علیه مردم ترکیه سکوت پیشه کردند. پرونده نامطلوب اتحادیه اروپایی در مواجهه با بحران پناه‌جویان که به یک کشور باثبات چون ترکیه چنین باج می‌دهد، به صورت انکارناپذیر در لیبی که تقریبا یک کشور فروپاشیده است کاملا قابل تصور است که رأسا با سازماندهی گروه‌های مسلح سد راه مهاجران آفریقایی شود.